

اسلام‌ستیزی در غرب: دلایل و ویژگی‌ها

چکیده

بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ضدیت با اسلام و اسلام‌هراسی در جوامع غربی بسیار افزایش یافته است. تحلیل محتوایی رسانه‌ها و اظهارات برخی از مقامات غربی نشان‌گر آن است که آنها تلاش دارند با برجسته کردن اقدامات برخی گروه‌های افراطی، مذهب اسلام را به عنوان یک تهدید علیه غرب مطرح سازند و با کمک رسانه‌های گروهی تلاش می‌شود با طرح اسلام به عنوان یک تهدید، شکل‌دهی هویت غربی را این بار به ضرر مسلمانان رقم بزنند. نویسنده در این تحقیق ضمن بررسی ریشه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی اسلام‌ستیزی در اروپا دلایل و علل گسترش آن را در ابعاد مختلف تشریح نموده است.

واژگان کلیدی

بیداری اسلامی، بنیادگرایی، غرب، اسلام‌ستیزی، هویت.

مقدمه

برخورد با مسلمانان و اسلام و مسأله اسلام‌ستیزی در جهان غرب پدیده جدیدی نیست. این مسأله ریشه تاریخی دارد و عکس‌العملی به گسترش اسلام می‌باشد. تاریخ اسلام شاهد چند مرحله توسعه به سمت غرب بوده است. قرن‌های اولیه هجرت، جنگ‌های صلیبی، توسعه امپراطوری عثمانی و دهه‌های اخیر شاهد چند مرحله متمایز از گسترش اسلام بوده است. گسترش اسلام در قرن‌های اولیه هجرت (قرن هشتم میلادی)، (از ایتالیا و فرانسه گرفته تا اسپانیا)، نوعی هراس از مسلمانان و اسلام در جهان مسیحیت به وجود آورد. حضور مسلمانان در اسپانیا (آندلس) هشت قرن به طول انجامید. در قرون یازده تا سیزده میلادی، اعلان جهاد علیه مسلمانان در طول جنگ‌های صلیبی، برخورد با اسلام و مسلمانان را ابعاد جدیدی بخشید. تسلط مسلمانان عثمانی بر بیزانس پایتخت روم شرقی در قرن ۱۵ میلادی و تحت کنترل درآوردن بخش‌های گسترده‌ای از اروپا (که تا محاصره وین پایتخت اتریش هم پیش رفت) مسیحیان ارتدکس را در مناطق گسترده‌ای تحت کنترل مسلمانان قرار داد و قلمرو مسیحیت کاتولیک را هم مرز با مسلمانان ساخت.

در طی قرون ۱۹ و ۲۰، توقف، ات‌فعال و رکود در جهان اسلام از نگرانی گروه‌های ضداسلامی کاست. از این زمان غرب در حالتی تهاجمی قرار گرفت و مسلمانان سنگر به سنگر مواضع خود را واگذار کرده و عقب‌نشینی کردند. پس از احیای مجدد و بازیابی هویت جهان اسلام که از اواخر قرن بیستم و به‌ویژه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز گردید، به تدریج مجدداً احساس ترس از اسلام و مقابله با مسلمانان در غرب در ابعاد جدیدی آغاز شد.

آغاز قرن ۲۱ هم‌زمان با واقعه ۱۱ سپتامبر بود. این واقعه و پیامدهای آن، ضدیت با اسلام و اسلام‌هراسی را در جهان غرب فراگیر ساخت. وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، انفجار ایستگاه مرکز قطار مادرید در مارس سال ۲۰۰۴ و انفجار بمب در ایستگاه متروی لندن در ۲۰۰۵ به سرعت به مسلمانان نسبت داده شد و نماد رفتار و فرهنگ مسلمانان معرفی گردید.

موج جریان‌های ضد مسلمانان در جوامع غربی همانند سایر جریان‌ات بیگانه‌ستیزی و نژادپرستانه، رنگ و بوی خشونت به خود گرفت.

حوادث متعدد در جامعه آمریکا و جوامع اروپایی اتفاق افتاد که قربانی آن مسلمانان و به‌ویژه افرادی بودند که ظواهر و شعائر اسلامی را رعایت می‌کردند. در طول این دوران و به‌ویژه روزهای پس از حوادث ذکر شده صدها عمل جنایتکارانه علیه مسلمانان، مساجد و اماکن متعلق به مسلمانان صورت گرفت. شدت این اقدامات خشونت‌بار در مواردی حتی به کشته شدن مسلمانان این جوامع منجر گردید. اینگونه احساسات و اقدامات ضد مسلمانان تنها در سطح جوامع محدود نبود. این مباحث در سخنان و مواضع مسئولان سیاسی و رهبران مذهبی این جوامع، فیلم‌ها و کتب و مطبوعات این جوامع نیز انعکاس داشته است.

اسلام‌ستیزی به‌عنوان حمله به تمامیت مذهب اسلام به‌عنوان مشکل اصلی جهان و معرفی دین اسلام به‌عنوان افراط‌گرایی، امروزه حضوری جدی و تأثیرگذار در جوامع غربی و حتی رسانه‌های مؤثر بر افکار عمومی جهانی پیدا کرده است.^(۱) از این منظر در تمام درگیری‌هایی که مسلمانان در آن درگیر هستند، مقصر اصلی مسلمانان هستند.

نکته قابل ذکر آن است که در حالیکه عقاید ضد یهودیان به‌عنوان یهودی‌ستیزی^۱ مطرح می‌شود، دیدگاه‌های ضد مسلمانان، اسلام‌هراسی^۲ نامیده می‌شود که در این اصطلاح مشکل، به اسلام نسبت داده می‌شود و در این نام‌گذاری‌ها نوعی بار ارزشی ملاحظه می‌شود.

ریشه‌های اسلام‌ستیزی در اروپا

ادوارد سعید در تبیین خود از نحوه برداشت از مفاهیم شرقی (و از جمله اسلام و مسلمانان) بیان می‌کند که مفهوم شرق‌شناسی در نتیجه گسترش امپریالیسم پدید آمده است. فعالیت شرق‌شناسی، هم‌زمان با تسلط امپریالیسم بر بخش‌های عظیمی از جهان اسلام شکل گرفته است.^(۳) براساس این اندیشه، غرب به جای تلاش برای فهم و کشف شرق؛ خود به

اختراع و ساخت شرق دست زده است.^(۴) بازنمایی غرب از شرق، نه بر واقعیت جوامع مدرن شرقی بلکه بر تفاسیر متنی و ذهنی استوارند. در حقیقت این شرق محصول شرق‌شناسی است. نهادهای مستعمراتی و امپریالیستی را باید در روابط قدرت - دانش مورد بررسی تاریخی قرار داد.^(۵)

شرق‌شناسی ابزاری برای تثبیت و تقویت هویت غربی است. روایت‌های شرق‌شناسانه درباره شرق تکمیل و تقویت‌کننده مبانی غرب هستند.^(۶) غرب برای تثبیت خود و تقویت مبانی هویتی خود به دشمن نیاز دارد. تقویت «ما» به ایجاد دیگران و کشیدن خطوط تمایز ملموس با دیگران وابسته است. کمونیسم و شوروی در زمانی این نقش را برای غرب ایفا می‌کرد و پس از فروپاشی شوروی، این نقش را باید جهان اسلام ایفا نماید. در این چارچوب، جهان اسلام باید متحجر، غیرعقلانی، جزمی، عقب‌مانده، واپس‌گرا و خشن معرفی و پذیرفته شود.

وسایل ارتباط جمعی و نخبگان در کوششی هماهنگ دائماً اسلام را با عبارات منفی و پیوسته با عناصر نامطلوب نمایش می‌دهند و توانسته‌اند نگاه بقیه و به‌خصوص جوامع غربی را شکل دهند. شرق‌شناسی به شرق صورت کلیشه‌ای داده و با داستان‌های ساختگی با ایجاد یک سناریو، امکان معرفی بیشتر هویت غربی را داده است. این دیدگاه‌ها، شرق را تا ابد عقب‌مانده و تهدیدی برای ارزش‌های غرب می‌دانند. مسلمانان نمی‌توانند مثبت بیاندیشند و نمی‌توان آنها را به راه راست آورد. به این ترتیب شرق (مسلمانان) پدیده‌ای هولناک هستند که باید تحت کنترل قرار گیرند.^(۷) اغلب مردم در جوامع غرب دانش چندانی نسبت به اسلام و مسلمانان ندارند و این عدم آگاهی زمینه را برای پذیرش روایت‌های غالب فراهم می‌سازد.

بدین ترتیب اسلام‌ستیزی تصویری از اسلام ارائه می‌دهد که دارای این مؤلفه‌هاست: اسلام دینی کهنه و وحشی است، از سایر ادیان مجزاست، غیرقابل انعطاف و ایستا، خشونت‌گرا و حامی تجاوز و تروریسم است. اسلام یک ایدئولوژی سیاسی است، در نتیجه خشونت علیه مسلمانان طبیعی و منطقی است.

این اندیشه امروز در غرب طرفداران زیادی دارد و جنگ علیه مسلمانان امروزه به بخشی تعیین‌کننده از هویت غرب تبدیل شده است.^(۸) هویت غربی در برابر مسلمانان است که مؤلفه‌های خود را باز می‌یابد. تاریخ تکوین هویت غربی نشان می‌دهد که این هویت در بسیاری موارد در انعکاس به دشمن خود شکل گرفته است.

هویت مسیحی، هویت ناسیونالیست (که در برابر ناسیونالیسم نازی تکوین یافت) و هویت سوسیالیستی (که در برابر سوسیالیسم شوروی تکوین یافت). همان‌گونه که در موارد اخیر هویت غربی در تضاد با هویت دشمن (و از همان نوع) شکل گرفت امروزه هویت مسیحی در برابر هویت اسلامی در حال شکل گرفتن است.^(۹)

نمودارهای صفحه بعد تصور موجود نسبت به اسلام و مسلمانان در جوامع غربی (اروپا و آمریکا) را نشان می‌دهد.

انواع مجریان اسلام‌ستیزی

جریان‌های مقابله با اسلام و هادیان امواج اسلام‌ستیزی در جوامع غربی را می‌توان در گروه‌های مختلفی به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱. گروه‌های صهیونیستی؛
 ۲. مسیحیان صهیونیست (جریان‌های پروتستان فعال در آمریکا)؛
 ۳. جریان‌های کاتولیک صلیبی؛
 ۴. جریان‌های قومی ارتدکس متضاد با مسلمانان (همانند جریان‌های تندرو صرب)؛
 ۵. گروه‌های نژادپرست و آشوبگر؛
 ۶. جریان‌های سیاسی؛
 ۷. لائیک‌های مهاجر از کشورهای اسلامی؛
 ۸. ایدئولوژی‌های انحرافی و ضداسلامی (همانند بهائیت، مارکسیسم و...).
- گروه‌های فوق هر یک به دلایل و شیوه‌های مستقل و خاص با اسلام و مسلمانان در

تضاد و مقابله هستند. آنها در بسیاری موارد هویت خود را در تضاد با مسلمانان تعریف کرده اند و از شیوه های مختلف در تقابل با آنها بهره می گیرند. این طیف گسترده به دلایل تاریخی، مذهبی و سیاسی و یا نژادی فعالیت های خود را توجیه می کنند. نمونه ای از تصورات موجود نسبت به مسلمانان اروپا^(۱۰)

تصور نسبت به مسلمانان در کشورهای اتحادیه اروپا

آنها دارای حس فزاینده هویت اسلامی هستند	آنها می خواهند متمایز بمانند	تصورات مسلمانان
۶۶	۸۸	آلمان
۴۷	۶۸	اسپانیا
۶۰	۶۵	هلند
۶۳	۶۱	بریتانیا
۷۰	۵۹	فرانسه
۲۰	۴۲	لهستان

نگرانی درباره افراط گرایی اسلامی

تا حدی نگران	بسیار نگران	نگرانی درباره افراط گرایی در کشورش
۴۳	۳۵	آلمان
۳۴	۴۳	اسپانیا
۴۴	۳۲	هلند
۳۶	۳۴	بریتانیا
۴۱	۳۲	فرانسه
۳۰	۷	لهستان

آیا تضادی بین زندگی در یک جامعه مدرن و یک مسلمان معتقد بودن وجود دارد؟

	مردم عادی		جمعیت مسلمان	
	خیر	بلی	خیر	بلی
کشور				
آلمان	۲۶	۷۰	۴۹	۴۷
اسپانیا	۳۶	۶۸	۵۷	۳۶
بریتانیا	۳۵	۶۴	۷۲	۲۸
فرانسه	۷۴	۲۶	۵۱	۲۵

نمونه‌ای از تصورات موجود نسبت به مسلمانان در آمریکا^(۱۱)

یک چهارم آمریکایی‌ها دیدگاه بسیار منفی نسبت به مسلمانان دارند

	موافق	بی‌نظر	مخالف
مسلمانان به زندگی اهمیت نمی‌دهند	%۲۳	%۳۰	%۴۷
مسلمانان به کودکان نفرت را می‌آموزند	%۲۶	%۳۳	%۴۱
اسلام خشونت و نفرت را می‌آموزد	%۲۷	%۳۰	%۴۳
	%۲۵	%۲۵	%۵۰
			%۷۵
			%۱۰۰

دلایل گسترش اسلام‌ستیزی

عوامل متعدد و متنوعی در گسترش اسلام‌ستیزی در غرب تأثیر داشته‌اند. بررسی این عوامل به شناخت هرچه بیشتر دلایل و اشکال اسلام‌ستیزی کمک خواهد کرد. این دلایل گرچه در موارد زیادی به یکدیگر مرتبط هستند ولی می‌توان آنها را در پنج دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱. دلایل و زمینه های تاریخی

از لحاظ تاریخی، توسعه و گسترش اسلام و تشکیل جوامع و حکومت های اسلامی در بسیاری از مناطق آنها را رویاروی جهان غرب و حکومت های مسیحی قرار داد. مسلمانان ۸۰۰ سال اندلس را تحت کنترل خود داشتند. در جنگ های صلیبی جوامع مسیحی در یک جهاد مذهبی سراسری در جنگی که نزدیک به دو قرن طول کشید با مسلمانان جنگیدند. (۱۲)

در قرون ۱۵ تا ۱۷ مسلمانان از روسیه تا قلب اروپای شرقی پیش رفتند و این مناطق را تحت استیلای خود در آوردند. (۱۳) در قرون ۱۶ تا ۲۰ امپراطوری عثمانی ضمن تسخیر بیزانس که مرکز دینی مسیحیت شرقی محسوب می شد جوامع مسیحی متعددی را به کنترل خود در آورد و همسایه جوامع مسیحی اروپای مرکزی شدند. (۱۴) مجموعه این وقایع تاریخی زمینه بهره برداری را برای جریان های ضداسلامی فراهم آورده است. اندیشه حاکم بر جنگ صلیبی، همواره اسلام (و مسلمانان) را دشمن خود معرفی کرده است. (۱۵) اندیشه جنگ مقدس با اسلام همواره در این رویکرد وجود داشته است. در برخی از این جوامع گروه هایی مبنای هویت خود و ریشه های روایت خود از هویت ملی را در مقابل مسلمانان قرار داده اند و اسطوره ها و قهرمانان ملی و فرهنگی خود را از رهبران و کشته شدگان در مقابل مسلمانان قرار داده اند. (۱۶)

۲. دلایل و مسائل دموگرافیک و جمعیتی

عامل مهم دیگر که به عنوان دلیلی برای گسترش اسلام ستیزی در جوامع غربی مطرح می شود رشد فزاینده جمعیت مسلمانان در جوامع غربی است. مهاجرت مسلمانان به این جوامع و تشکیل جوامعی متمایز در داخل جوامع غربی و همچنین گرایش غیرمسلمانان در جوامع غربی به اسلام و رشد جمعیت بیشتر مسلمانان به نسبت سایر سکنه این جوامع باعث ایجاد و توسعه جوامع مسلمانان در جوامع غربی شده است. در حال حاضر حدود ۱۵ میلیون مسلمان در اروپا زندگی می کنند که براساس برآورد ۳۰ سال آینده این رقم می تواند به ۵۰

میلیون نفر برسد. در یک گزارش میزان زاد و ولد مهاجران مسلمان فرانسه سه برابر فرانسوی‌تباران ذکر شده است. (۱۷)

در اکثر جوامع غربی مسلمانان به بزرگترین اقلیت مذهبی تبدیل شده که جمعیت روبه افزایش دارند و نسبت قابل توجهی از جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند و به تدریج به قوه مقتنه و حتی مجریه این کشورها راه می‌یابند، ظهور و قدرت یابی این اقلیت روبه رشد با عکس‌العمل در گروه‌های اکثریت روبرو می‌گردد. جدول زیر روند روبه رشد حضور مسلمانان در قاره اروپا را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مسلمانان اروپا (۱۸)

کشورها		تعداد مسلمانان (به میلیون نفر)		درصد کل از جمعیت
		سال ۱۹۸۲	سال ۲۰۰۳	
۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا (تا پیش از توسعه کنونی)	۶/۸	۱۵/۲	سال ۱۹۸۲	سال ۲۰۰۳
اعضای جدید اتحادیه اروپا	۰/۲۰	۰/۲۹	۰/۴	۰/۴
کل اعضای قدیم و جدید اتحادیه اروپا	۷/۰	۱۵/۵	۳/۴	۱/۶
کشورهای اروپایی غیرعضو اتحادیه (شامل ترکیه)	۵۶	۷۴/۸	۵۶	۵۰
کشورهای اروپایی غیرعضو اتحادیه (به جز ترکیه)	۸/۸	۷/۷	۱۰	۱۴
تمام کشورهای اروپایی (شامل ترکیه)	۶۲/۹	۹۰/۳	۱۵	۱۱/۶
تمام کشورهای اروپایی (به جز ترکیه)	۱۵/۶	۲۳/۲	۴/۵	۳/۲

۳. خصومت دشمنان

علاوه بر مسائل تاریخی باید به عامل سیاسی کلان جهان غرب و به‌ویژه آمریکا نیز توجه کرد. غرب و آمریکا در طول سالیان پس از جنگ جهانی دوم، همواره سیاست‌های خود را به‌عنوان مقابله با کمونیسم و شیطان سرخ توجیه می‌کردند و سامان می‌بخشیدند. فروپاشی شوروی خطر تهدیدی را که محور سیاست‌ها و توجیه‌کننده رفتار و انجام بخش جوامع غربی بود از بین برد و این مسأله می‌توانست مشکلات جدیدی در این جوامع ایجاد کند. یافتن تهدیدی که توجیه‌کننده رفتار سردمداران جوامعی چون آمریکا باشد یکی از دغدغه‌های طیف مداخله‌گر و تهاجمی بود. خطراتی چون چین و روسیه گرچه به تناوب در دهه ۹۰ مطرح می‌شدند ولی قابلیت و شرایط لازم را فراهم نمی‌کرد. واقعه ۱۱ سپتامبر با طرح خطر تروریسم اسلامی به سرعت این خلأ را پر کرد و جوامع غربی حول محور مقابله با این خطر فزاینده جدید متسجم شدند.^(۱۹) بنابراین خطر اسلام و مسلمانان به‌عنوان اصلی‌ترین خطر برای امنیت، فرهنگ و تمدن غربی مطرح شد و توسط رسانه‌ها و مجامع تولیدکننده فرهنگ و رفتار جوامع غربی مورد بهره‌برداری قرار گرفت و به صورت دشمن خطرناک جایگزین خطر کمونیسم و شیطان شوروی شد.

صهیونیست‌ها یکی از اصلی‌ترین طرف‌های ذی‌نفع در این فرایند بودند. آنها توانستند امواج ضد یهودی و یهود ستیز موجود در جوامع غربی را به جریان‌ات اسلام‌ستیز تبدیل کنند و خود در حاشیه امن قرار بگیرند. همچنین رژیم صهیونیستی از این فضا به بهترین وجه در سرکوب و حشیانه فلسطینی‌ها بهره گرفت و با دمیدن در کوره اسلام‌ستیزی، اقدامات غیرانسانی خود را، در جوامع غربی موجه نشان داد.

۴. بیداری اسلامی و احیای هویت مسلمانان

عامل دیگری که در این چارچوب قابل توجه است فرایند احیای هویت در جوامع اسلامی است، جوامع اسلامی پس از آن که در طول دهه‌های قرون پیشین در حالتی انفعالی

قرار داشتند و بر اثر شکست‌های پی‌درپی مرحله به مرحله در حال عقب‌نشینی بودند و این تفسیر در جوامع اسلامی غالب شده بود که در فرایند جهانی شدن باید از مبانی و مظاهر هویت خودی دست برداشت، از دهه‌های پایانی قرن بیستم به تدریج به مبانی هویتی خود برگشتند و چاره موفقیت را احیای هویت اسلامی یافتند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران از اولین جلوه‌های این فرایند در جهان اسلام بوده امروزه خیزش هویتی در سرتاسر جهان اسلام جلوه‌های متعددی پیدا کرده و کاملاً مشخص و ملموس است.

این خیزش هویتی، باعث شده مسلمانان در برابر ظلم، سرکوب و تحقیر تاریخی ایستادگی کنند. مقاومت در برابر اشغال و تجاوزگری در فلسطین، عراق و سایر جوامع اسلامی نمود گسترده‌ای پیدا کرده است. تعریف خود بر مبنای هویت خودی و مقاومت در برابر تحمیل ارزش‌ها و منافع بیگانگان و پیدا کردن روحیه و چهره فعال در دفاع از منافع و هویت خودی بازتاب گسترده‌ای در سایر جوامع و به‌ویژه جوامع غربی پیدا کرده است. هراس از این احساس مقاومت و ظلم‌ستیزی در سردمداران جوامع توسعه‌طلب باعث می‌شود که آنها روحیه ستیزش و مقابله با اسلام و مسلمانان را در جوامع خود ایجاد کرده و توسعه دهند. همچنین تعریف یک جمعیت بر مبنای هویت خودی می‌تواند باعث عکس‌العمل در گروه‌های متقابل شود و آنها نیز هویت خود را در مقابله و برخورد با گروه نخست قرار دهند. این وهم به تدریج در اروپا گسترده می‌شود که اروپا به دو ملت تقسیم شده است:

۱. اروپایان سکولار، ثروتمند، مسن و ضعیف و در حال کاستی.

۲. مسلمانان مذهبی، جوان، فقیر، قدرتمند و روبه رشد.

بر اساس این اندیشه مردم اروپا در حال افول هستند و در یک هراسی فزاینده به سر می‌برند و دچار یک نومیدی دموگرافیک شده‌اند.^(۲۰) این ایده خود نوعی هراس از مسلمانان و قدرت روبه رشد آنها تولید می‌نماید. این دیدگاه، مسلمانان را در حال جنگ با غرب تصویر می‌کند. بر این اساس جنگ با اسلام و مسلمانان در سه جبهه متمرکز است:

۱. جبهه مرکزی (خاورمیانه).

۲. جبهه شرقی (جنوب شرق آسیا: افغانستان، پاکستان و اندونزی).

جبهه غربی (اروپا و آمریکا): این جنگ با مهاجران مسلمان در کشورهای غربی متمرکز است.^(۲۱)

صحنه‌های مقاومت در کشورهایی چون فلسطین و عراق بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های اشغالگری و حق مسلمانان در دفاع از سرزمین خود به عنوان جنایت مسلمانان در افکار عمومی جهان تبلیغ می‌شود. آمریکا نیز در ابتدای سند استراتژی امنیت ملی که در سال ۲۰۰۶ توسط کاخ سفید و شورای امنیت ملی آمریکا به عنوان رسمی‌ترین سند امنیتی این کشور منتشر شد بیان می‌کند «آمریکا امروز در جنگ است، جنگ با یک ایدئولوژی تحریف‌شده، (اسلام)».^(۲۲)

۵. گسترش خشونت و تحجر به نام اسلام

اقدامات خشونت‌باری نظیر بمب‌گذاری‌ها، قتل‌ها و جنایت‌ها که به نام اسلام در اقصی نقاط جهان صورت می‌گیرد و موجب نفرت و کینه از مسلمانان می‌گردد نیز عوامل توسعه اسلام‌ستیزی محسوب می‌شود و مورد بهره‌برداری جریان‌های فرصت‌طلب قرار می‌گیرد. بهره‌برداری تبلیغاتی از جنایاتی که در مناطقی همانند افغانستان و عراق توسط گروه‌های انحرافی و مشکوک صورت می‌گیرد، بزرگ کردن و طرح چنین صحنه‌های مسموم‌کننده^(۲۳) به یک برنامه دائمی تبدیل شده و این صحنه‌های آزاردهنده به‌طور مداوم در رسانه‌های بین‌المللی به عنوان معرفی اسلام و مسلمانان مطرح می‌شود. همچنین این رسانه‌ها می‌کوشند از مسلمانان چهره‌های خشن ترسیم کنند که به کشتار سایرین دست می‌زنند و از دیدن مرگ غیرمسلمانان خوشحال می‌شوند.^(۲۴)

نتیجه‌گیری و نگاهی به آینده

حرکت‌های اسلام‌ستیزی با انگیزه‌ها و اشکال مختلف در جهان غرب رو به گسترش

می‌باشد. این جریان از رسانه‌ها و ابزار مؤثر بر افکار عمومی به صورت ماهرانه ای استفاده می‌کنند و در ساختن تصور توده‌های مردم و حتی نخبگان جوامع نقش مؤثری دارند. شکل‌دهی دشمن برای تثبیت هویت خودی، این بار به ضرر مسلمانان رقم می‌خورد. اقداماتی که به نام اسلام صورت می‌گیرد، بیشترین بهره را به این جریان‌ضداسلامی می‌رساند. همچنین جریان‌های مقاومت و مقابله با اشغالگری نیز، در روایت جریان‌های اسلام‌ستیز به‌عنوان تروریسم، خشونت و تحجر معرفی می‌گردد. از سوی دیگر واقعیت احیای هویت جهان اسلام پس از دهه‌های متمادی انفعال و قدرت روز افزون مسلمانان در سرتاسر جهان و به‌ویژه مناطق استراتژیک جهان و همچنین توسعه گسترده حضور و نقش مسلمانان در جوامع غربی، به انگیزه‌ها و همچنین دلایل جریان‌های اسلام‌ستیز افزوده است. بر این اساس و با توجه به روند رو به گسترش قدرت، حضور و نقش مسلمانان و زخم خوردن جریان‌های ضداسلامی صهیونیستی و سلطه‌گران و حاکمان بر ابزار شکل‌دهنده افکار عمومی در جوامع غربی، به نظر می‌رسد تا آینده قابل پیش‌بینی کماکان شاهد حضور و توسعه جریان‌های اسلام‌ستیز به‌ویژه در کشورهای غربی خواهیم بود.

تلاش برای خارج‌سازی نمایندگی اسلام و مسلمانان از دست جریان‌های افراطی و انحرافی و ارائه چهره صحیح اسلامی می‌تواند یکی از اصلی‌ترین تلاش‌ها برای مقابله با جریان‌اتی باشد که توسط و یا به نام جریان‌های افراطی در هر دو طرف پیگیری می‌گردد. مسلمانان در درون جریان احیای هویت و قدرت‌گیری مجدد هستند و می‌کوشند عظمت و مجد خود را احیا کنند. این احیای هویت در بسیاری از موارد به شکل مقاومت در برابر اشغالگری نمود پیدا کرده است، ولی اقدام انحرافی توسل به اقدامات خشن ضداسلامی علیه هم‌دینان و سایر افراد بیگانه می‌تواند در این فرایند، اخلاقی جدی وارد سازد.

جریان‌های افراطی می‌کوشند بر این امواج قدرت‌مند احیای هویت و قدرت مسلمانان حاکم شوند و آنها را از راه اصلی خود منحرف سازند. مسلمانان سراسر جهان با اشغالگری و اقدامات اشغالگران به شدت مخالف هستند و از جریان‌های مقاومت پشتیبانی

می‌کنند. گروه‌های انحرافی می‌کوشند از این احساسات سوء استفاده کنند و این امواج ضد اشغالگری را منحرف ساخته، به خشونت بکشانند و سمت این خشونت کور را متوجه مسلمانان سازند. تحولات عراق، فلسطین و لبنان و بخش‌های دیگر مشخص می‌سازد که حرکت‌هایی که به نام ناسیونالیسم و یا حتی به نام اسلام توسط افراطیون چون سلفیون صورت می‌پذیرد و امواج ضد اشغالگران را متوجه انتقام از سایر مسلمانان می‌سازد اقدامات مشکوکی است که ضمن ایجاد رخنه در صفوف خودی، ابزار و بهانه لازم را برای جریان‌های اسلام‌ستیز فراهم می‌سازد. این جریان انحرافی که می‌کوشد بر جریان احیای هویت اسلامی حاکم شود یکی از خطرات جدی است که جریان بیداری اسلامی را تهدید می‌کند.



منابع و مأخذ

۱. به‌طور مثال در یک بررسی تحقیقی مشخص شد که بیش از ۸۵٪ اخبار مربوط به اسلام و مسلمانان در تلویزیون ملی سوئد ضد مسلمانان و منفی است. به نقل از
Larson, Garah (2005), "The Impact of Global Conflicts on Local Contexts: Muslims in Sweden After 9/11", *Islam and Christian-Muslim Relations*, Vol. 16, No. 1, (Jan), pp. 29-49, p. 40.
۲. در سال ۲۰۰۶ کمیته مبارزه با تبعیض نژادی اتحادیه اروپا گزارش مفصلی از وضعیت مسلمانان و تبعیض علیه آنان در اتحادیه اروپا و شواهد موجود در مورد اسلام‌ستیزی منتشر کرد. بنگرید:
European Center on Racism and Xenophobia, *Muslims in the European Union: Discrimination and Islamophobia*, EUMC 2006.
۳. سعید، بابی (۱۳۷۹)، هراس بنیادین، ترجمه: غلامرضا جمشیدی و موسی، عنبری تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص. ۳۸.
۴. دیدگاه‌های ادوارد سعید در این باب، به‌طور مفصل در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است.
سعید، ادوارد (۱۳۷۷)، شرق‌شناسی، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. بابی، سعید، پیشین، ص. ۴۰. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۶. همان، ص. ۴۱. رتال جامع علوم انسانی
۷. کارلسون، اینگمار (۱۳۸۰)، اسلام و اروپا، همزیستی یا خصومت، ترجمه: داوود وفایی و منصوره حسینی تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ص. ۲۲.
8. Kurth, James (2006), "Europe Identity Problem and the New Islamic War", *Orbis* (Sum), pp.541-557.
9. Ibid., p. 553.
10. Muslims in the European Union, European Monitoring Center on Racism and Xenophobia (EUMC), 2006.

۱۱. به نقل از:

American Public Opinions about Islam and Muslims, Council on American-Islam Relations Research, Center (CAIR), 2006.

۱۲. برنارد لوئیس می‌گوید: «خطری که از جانب اسلام در طی هزار سال اروپا را تهدید می‌کرد دوگانه بود: خطر نظامی از یک‌سو و خطر مذهبی از سوی دیگر، یعنی خطر فتح سرزمین‌ها و خطر گرویدن به دین اسلام»، بنگرید به: لوئیس، برنارد (۱۳۸۱)، برخورد فرهنگ‌ها، ترجمه بهمن دخت اویسی، تهران: نشر فرزانه، ص. ۱۲.

۱۳. ارسلان، شکیب (۱۳۷۰)، تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا، ترجمه: علی دوانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی و لوئیس، پیشین، ص. ۱۱.

14. Gandy, Jack (2004), *Islam in Europe*, Oxford: Blackwell, p. 10-43.

۱۵. این منبع برداشت اروپاییان از اسلام به‌ویژه در قرن نوزدهم را بررسی کرده است:

Gunny, Ahmad (2004), *Perception of Islam in European Writings*, Leicester: The Islamic Foundation.

۱۶. به‌طور مثال صرب‌ها مبنای هویت ملی خود را در تقابل با اشغالگری و عثمانی‌ها قرار داده‌اند و اسطوره قومیتی آنها پرنس لارا است که در مقابله با عثمانی‌ها کشته شده است. کرواسی نیز خود را سنگر مقاومت در برابر توسعه‌طلبی عثمانی‌ها معرفی می‌کند. در این جوامع حتی میادین بسیاری از شهرها مجسمه بزرگ قهرمانان و فرماندهان جنگ در برابر مسلمانان دیده می‌شود.

۱۷. منصوری، جواد (۱۳۸۵)، «اقلیت‌های مسلمان و بحران هویت در غرب»، در مجموعه مقالات مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی، تهران مجمع جهانی تقریب المذاهب، صص. ۳۷۹-۳۹۲، ص. ۳۸۹.

18. Savage, Timothy (2004), "Europe and Islam: Crescent Waxing, Cultures Clashing", *The Washington Quarterly* (Sum), pp. 25-50, p. 29.

۱۹. یک سال پس از واقعه ۱۱ سپتامبر شبکه بی بی سی در گزارشی مطرح کرد که تحقیقات دانشگاهی نشان می‌دهند که اسلام‌ستیزی در انگلستان گسترش یافته است و موارد متعدد حمله و تعدی به مسلمانان ثبت شده است.

"Islamophobia Rises after 11 September", BBC. News/ 29 Aug. 2002.

همچنین کارشناسان بیان می‌دارند که اسلام‌ستیزی در سرتاسر اروپا افزایش یافته است و در حال افزایش فزاینده است. حتی سازمان همکاری و امنیت اروپا (OSCE) اخیراً این موضوع را در دستور کار خود قرار داده است به نقل از:

"Islamophobia on Rise in Europe", in WWW.Expatica.com/ Sources in 9 Oct. 2007.

20. Kurth , Op. Cit., p. 553.

21. Ibid., p. 546.

22. National Security Strategy 2006, (NSS 2006), p. 1.

۲۳. به‌طور مثال در بهار سال جاری (سال ۱۳۸۶) رسانه‌های جهانی چندین بار فیلمی را پخش کردند که طالبان از صحنه اعدام یک فرد به‌عنوان خائن تهیه کرده بود. در این صحنه یک پسر ۱۲ ساله سر از تن فرد محکوم جدا می‌کرد. همچنین در سال‌های گذشته بریدن سر گروگان‌های خارجی با شعارهای اسلامی در عراق پخش و توسط رسانه‌های بین‌المللی بارها برای افکار عمومی جهانی به نمایش در می‌آید. این صحنه‌ها بر تصور جهانی از اسلام و مسلمین نقش دارند.

۲۴. به‌طور مثال در بررسی به عمل آمده مشخص شد که گزارش‌های پخش شده پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به‌طوری طراحی شده بودند که مسلمانان به گونه‌ای معرفی می‌شدند که نه تنها از تروریسم و کشتن بی‌گناهان حمایت می‌کنند بلکه از دیدن مرگ غیرمسلمانان خوشحال می‌شوند. به نقل از: Larson, Op. Cit., p. 40



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی